

بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیرفراری

نویسندگان: دکتر کاظم رسول‌زاده طباطبایی*، دکتر محمدعلی بشارت**، مهناز
بازیاری***

* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

** دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران

*** کارشناس ارشد روان‌شناسی

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیرفراری شهر تهران است. در این پژوهش، دو فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است: ۱) نیمرخ شخصیتی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است. ۲) شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است. بدین منظور تعداد ۹۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که از این تعداد، ۴۵ نفر دختر فراری و ۴۵ نفر دختر غیرفراری بودند. نمونه دختران فراری از زندان و مراکز نگهداری بهزیستی و دخترانی که یک بار سابقه فرار داشتند و تحویل به خانواده می‌شدند، انتخاب گردید و نمونه دختران غیرفراری با خصوصیات شبیه دختران فراری از دبیرستان‌های دخترانه منطقه ۶ تهران به‌طور تصادفی انتخاب شدند. نتایج به‌دست آمده بعد از انجام بررسی‌های لازم با استفاده از ۲ پرسشنامه (آزمون شخصیت ۱۶ عاملی کتل و پرسشنامه شرایط اجتماعی و اقتصادی) فرضیه اول را رد و فرضیه دوم را تأیید کرد.

واژه‌های کلیدی: نوجوانان، بزهکاری، دختران فراری، شخصیت، شرایط اجتماعی و اقتصادی

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال دوازدهم - دوره جدید

شماره ۱۰

اردیبهشت ۱۳۸۴

مقدمه

پدیده فرار دختران از منزل که در طی سال‌های اخیر در جامعه رو به فزونی نهاده، از مقوله‌های آسیب اجتماعی است که مهار آن به مدیریت قوی اجتماعی و حضور مداخله جویانه در فرایند آسیب‌های اجتماعی نیازمند است. پرداختن به مبحث آسیب‌های اجتماعی، به ویژه در خصوص دختران و زنان آسیب دیده، بهره‌گیری از نگرشی را می‌طلبد که توانایی شناسایی

تار و پود ناسازگاری‌های اجتماعی را داشته باشد. در خصوص علل پدید آیی آسیب‌های اجتماعی، جامعه‌شناسان بیش‌تر عوامل اجتماعی را مد نظر قرار داده، معتقدند که اگر محیط‌های اجتماعی سالم و فرهنگ بالنده به وجود آید، خود به خود می‌توان مصونیت و پیشگیری قابل ملاحظه‌ای را در کاهش آسیب‌های اجتماعی به وجود آورد، پس عوامل اجتماعی، اقتصادی (Social & economic of factors) و...

در ایجاد آن‌ها تأثیر بسزایی دارد. ولی در کنار این عوامل، ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه فردی نیز در ایجاد این معضل نقش بسیار مهمی بازی می‌کند که در این تحقیق به بررسی این موضوع نیز پرداخته شده است.

پدیده فرار (Runaway) دختران از منزل، یک معلول چند علتی است که ریشه‌های آن را می‌توان در فقر اقتصادی، از هم پاشیدگی خانواده، طلاق یا جدایی‌های عاطفی والدین، وجود ناپدری و نامادری، اعتیاد، رفاه و آزادی بیش از حد، دوستان ناباب، تعرض جنسی توسط نزدیکان، مشکل انضباطی و اخلاقی در خانواده، ازدواج‌های تحمیلی، ایجاد شکاف بین نسل‌ها و رابطه منفی و اختلافات بین والد و فرزند و... جستجو کرد. به‌طور کلی نوجوانان در دوران بلوغ در شرایط خاص عاطفی قرار دارند و هویتشان در حال شکل‌گیری است و در صدد حل بحران هویت خود هستند. این بحران نوجوان را دچار حیرت و سرگشتگی می‌کند و ممکن است اطرافیان، او را مزاحم و غیرقابل تحمل بدانند. لذا برای نجات از این شرایط به دنبال مأمّن و پناهگاهی سرگردان می‌شود. کم‌تجربگی این نوجوانان در اکثر موارد موجب می‌شود که طعمه گروه‌های آسیب‌زا شده، پس از اغفال، ناخواسته به سوی فحشا، مواد مخدر و دیگر بزه‌های اجتماعی منحرف شوند.

فرار، نوعی رفتار سازش‌نا یافته است که در فرایند آن، کودک یا نوجوان به‌منظور رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به خاطر جاذبه‌های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود، آگاهانه خانه را ترک می‌کند و سریعاً بدون واسطه به خانه بر نمی‌گردد. رفتار فرار بالاخص با بی‌ثباتی و ارتباط خانوادگی ضعیف و بدرفتاری با فرزندان همراه است. این عوامل باعث اختلاف و گسیختگی پیوند بین والدین و فرزندان می‌شود. در این‌جا نوجوان محیط خانه را تهدیدآمیز می‌داند و با توجه به قرار گرفتن در سن نوجوانی، احساس بیگانگی کرده، به رفتارهای سازش‌نا یافته رو می‌آورد.

در کنار عوامل زمینه‌ساز فرار، ویژگی‌های شخصیتی (Personality traits) و فردی فرد نیز سهم بسزایی در فرار دارند. پدیده فرار از منزل به دلیل عدول از اعتدال در هیجان و بروز احساس ناامنی در فرد حادث می‌شود. با این‌که دختران فراری از دو طیف مرفه و فقیرند و بعضاً عادات و رفتارهای متمایز دارند ولی غالباً از منش‌ها، اصطلاحات کلامی و پوشش‌های ویژه استفاده می‌کنند. تحقیقات نشان داده که این افراد در مقایسه با افراد غیرفراری، افرادی با ریسک بالا (High risk) هستند و غالباً تلقین‌پذیرند و اکثر آن شخصیت‌های ضداجتماعی (Anti social personality) دارند. آن‌ها غالباً احساس حقارت و ناامنی می‌کنند و خود پنداره (Self concept) منفی دارند [۱]. همچنین برخی از ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده فرار از منزل باشد که از آن جمله می‌توان به روان‌آزردگی (Neurosis) اشاره کرد. در بیش‌تر این افراد، افسردگی، میل به خودکشی، اختلال عدم توجه (Attention deficit disorder) و اضطراب یافت شده است و برخی از آن‌ها دارای شخصیت ضداجتماعی هستند. DSM.IV پدیده فرار را جزء اختلالات رفتاری (Conduct disorder) قرار داده و آن‌ها را تحت عنوان تیپ پرخاشگرانه نارس اجتماعی طبقه‌بندی کرده است [۲].

پلیس روزانه ۹۰ نفر از جوانان فراری را که قربانی تجاوز و غیره شده‌اند دستگیر می‌کند. اکثر این جوانان در ترمینال‌ها، ایستگاه‌های راه آهن، پارک‌ها و... به‌سر می‌برند [۳]. دامنه سنی این افراد بین ۱۲ تا ۱۹ سال است [۴]. انجمن پزشکی نوجوانان (Society for Assescent Medicine) جوانان فراری را به چندین گروه - که ممکن است با یکدیگر همپوشی داشته باشند - تقسیم کرده است که عبارتند از: ۱) فراری‌های موقعیتی (Situational runaways) که بعد از یکی دو روز به خانه برمی‌گردند، ۲) فراری‌هایی که به مدت طولانی خانه را ترک گفته، تبدیل به فراری‌های کهنه‌کار و بچه‌های خیابانی می‌شوند، ۳) رانده شده‌ها (Throwaway) که والدین آن‌ها را طرد و مجبور به ترک خانه می‌کنند،

۴) جوانان سازمان یافته (System youths) که به دلیل فقدان خانواده در پرورشگاه‌ها و مؤسسات زندگی می‌کنند و به دلیل عدم تحمل شرایط آن‌جا، فرار می‌کنند. بنابراین پدیده فرار - همان‌طور که اشاره شد - یک معلول چند علتی است که شرایط اقتصادی و اجتماعی نامناسب از یک طرف و ویژگی‌های شخصیتی فرد از طرف دیگر در بروز آن تأثیرگذار است. پدیده فرار در سال‌های اخیر در کشور ما مخصوصاً در شهرهای بزرگ و صنعتی رو به فزونی گذاشته است. آمارهای ارائه شده از سوی مسئولین، معرف این واقعیت تلخ است که روزانه در تهران دختران زیادی از منزل فرار کرده، به خیابان‌ها پناه می‌آورند. تحقیقات انجام شده در این زمینه بیش‌تر با نگرش جامعه‌شناختی بوده و لذا در این تحقیق سعی شده با یک نگاه دیگر، مخصوصاً از زاویه و دیدگاه روان‌شناختی به پدیده فرار دختران نگرسته شود و با تحلیل‌های دانش روان‌شناختی، اقدامات عملی در جهت کاهش این پدیده پیشنهاد گردد. تحقیق حاضر در پی آن است تا به بررسی ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی این افراد بپردازد. در راستای تحقق این هدف و با در نظر گرفتن تحقیقات پیشین در قلمرو موضوع مورد بررسی، فرضیه‌های آتی تدوین گردیده است: ۱) نیم‌رخ شخصیتی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است؛ ۲) شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است.

اهداف

پدیده فرار دختران از منزل یک آسیب اجتماعی است و عدم مقابله مناسب با این پدیده، پیامدها و عواقب ناگواری برای فرد و اجتماع به دنبال دارد. از طرفی، نوجوانان، سرمایه‌های ملی هر جامعه هستند که در صورت به هرز رفتن، خسارتی جبران‌ناپذیر بر پیکره جامعه وارد می‌شود. لذا شیوع و بالا رفتن میزان فرار دختران از منزل و در نتیجه تهدید ارکان جامعه، بررسی همه جانبه این معضل را می‌طلبد و ضروری است تا با

یک برنامه‌ریزی صحیح در جهت رفع این معضل گام برداشت. در رابطه با دختران فراری در ایران تحقیقات مختلفی انجام شده، ولی در بیش‌تر این تحقیقات از دیدگاه جامعه‌شناسی به پدیده فرار دختران نگرسته شده و از دیدگاه روان‌شناختی تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است. لذا تحقیق حاضر بر آن است که نقش عوامل روانی را نیز در بروز این پدیده بررسی کند. به عبارت دیگر، هدف اصلی این تحقیق، بررسی نقش مؤلفه‌های شخصیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی در ایجاد این پدیده است تا با تحلیل عوامل روانی و با توجه به نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در بروز این پدیده، بتوان طرحی برای پیشگیری از این آسیب ارائه داد.

فرایند روش‌شناختی

طرح پژوهش: پژوهش حاضر یک پژوهش علی - مقایسه‌ای (Ex post facto study) است.

جامعه مورد بررسی شامل دو دسته است: الف) دختران فراری ۱۵ تا ۲۵ ساله‌ای که در زندان‌ها و مراکز نگهداری سازمان بهزیستی به سر می‌برند و همچنین دخترانی که فقط یک بار سابقه فرار از منزل داشته و به خانواده‌اشان باز گردانیده شده‌اند، ب) دختران غیرفراری ۱۵ تا ۲۵ ساله‌ای که در دبیرستان‌های شهر تهران مشغول به تحصیل هستند.

نمونه آماری: در این پژوهش، تعداد ۴۵ نفر از دختران فراری مورد بررسی قرار گرفتند و برای این‌که گروه نمونه، معرف کامل دختران فراری باشد تعدادی از دختران فراری‌ای که در زندان اوین و کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند و دختران فراری‌ای که در مراکز مختلف بهزیستی شهر تهران (مرکز آصف، مرکز ارشاد و مرکز مداخله در بحران منطقه شمال تهران) اقامت داشتند و افرادی که فقط یک بار از منزل فرار کرده، به خانه باز گردانیده شده بودند، انتخاب شدند. از آن‌جا که تعدادی جامعه مورد بررسی تقریباً محدود بود، تمام افراد جامعه، مورد مطالعه قرار گرفتند. از طرفی تعداد ۴۵ نفر از دختران غیرفراری در دبیرستان‌های منطقه ۶ تهران - با

- I حساسیت هیجانی - زمختی رشد یافتگی
L گسیخته‌خویی پارانویاگونه - در دسترس بودن اعتمادآمیز
M کولی‌گری - رغبت‌های عملی
N ظرافت کاری - سادگی بی‌ظرافت
O بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز - اعتماد توأم با آرامش
Q1 بنیادگرایی - محافظه‌کاری
Q2 خودکفایی - ناتوانی در اخذ تصمیم
Q3 مهارکردن اراده و پایداری خلق و خو
Q4 تنش عصبی

۲. پرسشنامه بخش شرایط اقتصادی - اجتماعی

برای به‌دست آوردن اطلاعات لازم در مورد شرایط اقتصادی، اجتماعی افراد مورد مطالعه در این تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته مربوط به طرح بررسی «عوامل فرار دختران» که توسط مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی تهیه و تنظیم شده بود - با اصلاح و حذف سؤالات - استفاده شد.

روش‌های آماری: در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، درصد و...) و آزمون آماری کای دو، و «تی» مستقل برای مقایسه میانگین‌های دو گروه استفاده شده است.

نتایج

بررسی داده‌های جمعیت‌شناختی حاصل از پرسشنامه ویژگی‌های فردی نشان می‌دهد که:

دامنه سنی: دامنه سنی دختران فراری و غیرفراری بین ۱۵ تا ۲۴ سال است که در این دامنه سنی، ۱۷ سالگی بیش‌ترین درصد (۲۲ درصد) را به خود اختصاص داده است. در واقع سنین ۱۶، ۱۷ و ۱۸ بیش از ۵۵ درصد گروه نمونه را تشکیل می‌دهد. چون دختران غیرفراری از لحاظ سن با دختران فراری همسان شده‌اند، لذا تفاوتی بین دو گروه از لحاظ سن وجود ندارد.

وضعیت تأهل: ۹۱ درصد دختران فراری و ۹۷ درصد غیرفراری‌ها مجرد بودند.

استفاده از روش تصادفی چند مرحله‌ای - انتخاب شدند. علت انتخاب منطقه ۶ معرف بودن این منطقه از لحاظ ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی در شهر تهران است. سعی شد این گروه از لحاظ متغیرهای دموگرافی، مثل سن، سطح تحصیلات و ... با گروه آزمایش همتا باشند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

با توجه به موضوع مورد بررسی در این پژوهش از ابزار زیر استفاده شده است:

۱. آزمون ۱۶ عاملی شخصیتی کتل

این آزمون در شمار آزمون‌هایی است که اولاً کلیه سؤالات آن از لحاظ عواملی که می‌خواهند اندازه‌گیری‌کننده اشباع است و ثانیاً هر کدام از عوامل با عوامل نخستین شخصیت مطابقت می‌کند. آزمون ۱۶ عاملی شخصیت در ۵ فرم A تا E منتشر شده که فرم A آن در دانشگاه تهران توسط منصور و دادستان هنجاریابی شده است. در پژوهش حاضر از فرم E آن که در سطح مهارت خواندن سؤالات آن به میزان قابل توجهی کاهش یافته، استفاده شده است. تحقیقات بیانگر آن هستند که فرم E همان خصیصه‌های شخصیت فرم‌های دیگر آزمون ۱۶ عاملی را اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون از حداکثر اعتبار و روایی برخوردار بوده، برای آن، هنجارهایی به تفکیک جنس و ترکیبی از دو جنس ارائه شده است. نمرات هنجاری ۱۰ باریکی و دامنه باریک‌ها تا ۱۰ و میانگین نمرات ۵/۵ با انحراف استاندارد ۲ برای جمعیت بهنجار است [۵].

عامل ۱۶ گانه این آزمون به شرح زیر است:

- A ادواری خویی - گسیخته‌خویی
B هوش عمومی - نارسایی عقلی
C پایداری هیجانی - نوروژگرای عمومی
E سلطه یا استیلا - اطاعت، تسلیم
F برونگردی - نابرونگردی
G خلق استوار - خلق نارس و وابسته
H ادوارخویی متهورانه - گسیخته‌خویی اساسی

در قید حیات نبودن والدین: از ۴۵ نفر دختر فراری، ۲۶ درصد پدرانشان و ۲۶ درصد مادرانشان در قید حیات نبودند در صورتی که ۴ درصد از دختران غیرفراری پدرانشان را از دست داده‌اند و هیچ کدام از آن‌ها مادرانشان را از دست نداده بودند.

نوع زندگی کردن والدین: در مورد ۳۵ درصد از دختران فراری، والدین از یکدیگر جدا شده بودند، در حالی که فقط ۲ درصد از والدین دختران غیرفراری از یکدیگر جدا شده‌اند.

ازدواج مجدد والدین: ۳۵ درصد از والدین دختران فراری از یکدیگر جدا شده‌اند، در حالی که فقط ۲ درصد از پدران دختران غیرفراری ازدواج مجدد کرده‌اند و هیچ کدام از مادران دختران غیرفراری ازدواج مجدد نکرده‌اند.

تحصیلات: ۶۶ درصد از پدران دختران فراری، تحصیلات ابتدایی و متوسط دارند. به عبارت دیگر، بیش از نیمی از پدران دختران فراری تحصیلات متوسطه و زیر متوسطه دارند، در حالی که ۴۰ درصد از پدران دختران غیرفراری دیپلم و ۲۶ درصد لیسانس هستند. در زمینه تحصیلات مادر نیز ۳۵ درصد از مادران دختران فراری تحصیلات ابتدایی و ۳۵ درصد از مادران دختران غیرفراری تحصیلات متوسطه دارند. در زمینه تحصیلات خود آزمودنی، ۴۴ درصد تحصیلات متوسطه، ۳۶ درصد تحصیلات راهنمایی، و ۱۳ درصد تحصیلات ابتدایی داشتند و ۴ درصد هم بیسواد بودند.

شغل والدین: ۴۶ درصد از پدران دختران فراری شغل آزاد داشته‌اند، در حالی که پدران ۴۲ درصد از دختران غیرفراری کارمند بوده و در این شغل نسبت دختران غیرفراری بیش تر بوده است. در مورد شغل مادر نیز بیش تر مادران هر دو گروه خانه دار بوده‌اند و نسبت دختران فراری یعنی ۷۷ درصد در مقابل ۶۴ درصد (دختران غیرفراری) در این زمینه بیش تر بوده است. از لحاظ مشاغل خارج از منزل، ۲۶ درصد از مادران دختران غیرفراری فرهنگی بوده‌اند، در حالی که چنین مشاغلی در مادران دختران فراری مشاهده نشد.

اختلاف بین والدین: ۵۳ درصد از والدین دختران فراری با یکدیگر اختلاف داشته‌اند، در حالی که نسبت اختلاف بین والدین دختران غیرفراری ۱۳ درصد بوده است.

تعداد خواهر و برادر: ۴۰ درصد از دختران فراری، دو و سه خواهر و ۴۷ درصد از دختران غیرفراری یک خواهر دارند که در مقایسه با دختران غیرفراری، دختران فراری تعداد خواهران بیش تری دارند. در مورد تعداد برادر نیز ۴۰ درصد از دختران فراری و ۳۶ درصد از دختران غیرفراری، یک برادر دارند.

اعتیاد والدین به مواد مخدر: پدران ۲۷ درصد از دختران فراری معتاد بوده‌اند، در حالی که هیچ کدام از پدران دختران غیرفراری اعتیاد نداشته‌اند.

تنبيه پدر و مادر: ۳۸ درصد از پدران و ۳۶ درصد از مادران دختران فراری و ۱۳ درصد از پدران و ۲۰ درصد از مادران دختران غیرفراری فرزندانشان را زیاد تنبيه می کرده‌اند.

بی‌اعتنایی والدین: ۴۲ درصد از دختران فراری و ۲۵ درصد از دختران غیرفراری گزارش داده‌اند که والدینشان در زندگی نسبت به آن‌ها بی‌اعتنایی و بی‌توجهی زیاد نشان داده‌اند.

درگیری و اختلاف با والدین: ۳۶ درصد از دختران فراری و ۲ درصد از دختران غیرفراری دائماً با والدین خود اختلاف و درگیری داشته‌اند.

سخت گیری و کنترل زیاد والدین: ۳۳ درصد از دختران فراری و ۷ درصد از دختران غیرفراری گزارش داده‌اند که والدینشان نسبت به آن‌ها سخت گیری و کنترل زیاد داشته‌اند.

میزان وابستگی به خانواده: از میان دختران فراری ۳۳ درصد هیچ وابستگی به خانواده‌شان نداشته‌اند و البته ۲۴ درصد به میزان کم و ۲۴ درصد نیز به میزان زیاد نسبت به خانواده‌شان وابستگی داشته‌اند. در مورد بقیه، میزان وابستگی در حد متوسط بوده و ۹ درصد به میزان کم به خانواده‌شان وابستگی داشته‌اند. در کل، میزان وابستگی دختران فراری به خانواده نسبت به دختران غیرفراری در حد کم است.

جدول ۱: میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بر حسب درصد فراوانی

وسایل ارتباطی	دختران فراری			دختران غیرفراری		
	هیچ	کم	زیاد	هیچ	کم	زیاد
تلویزیون	۷	۵۰	۴۳	۰	۲۷	۷۳
رادیو	۵۴	۲۰	۲۶	۴۵	۴۸	۷
ماهواره	۳۰	۱۴	۵۶	۵۶	۳۳	۱۱
مچله	۲۵	۲۵	۵۰	۴	۵۶	۴۰

جدول ۲: رضایت از عوامل زیر بر حسب درصد فراوانی

رضایت از	دختران فراری			دختران غیرفراری		
	هیچ	کم	زیاد	هیچ	کم	زیاد
سلامتی	۶۴	۱۳	۲۳	۸۷	۴	۹
تغذیه	۶۷	۱۳	۲۰	۹۱	۷	۲
مسائل مالی	۵۶	۴	۴۰	۹۳	۰	۷
لباس و پوشاک	۶۰	۱۳	۲۷	۹۸	۲	۰
مسکن	۶۳	۱۰	۲۷	۸۹	۴	۷

میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی

تقلید از هنرپیشه: ۴۴ درصد از دختران فراری و ۱۶ درصد از دختران غیرفراری از هنرپیشه مورد علاقه خود تقلید می‌کردند.

الگوگیری از گروه‌ها: از میان دختران فراری ۱۸ درصد به میزان زیاد، ۳۳ درصد به میزان کم و از میان دختران غیرفراری فقط ۲۴ درصد به میزان کم از گروه‌هایی مانند رپ و هوی متال و... الگوگیری می‌کرده‌اند.

میزان درآمد والدین: بیش‌ترین میزان درآمد پدر دختران فراری بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان و در دختران غیرفراری بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان است. بیش‌ترین میزان درآمد مادر، در دختران غیرفراری بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان است، در حالی که میزان درآمد مادران دختران غیرفراری بین ۵۰ هزار تومان تا ۱۰۰ هزار تومان در نوسان است.

برآورد شدن خواسته‌های مالی: خواسته‌های مالی ۵۱ درصد از دختران فراری و ۶۱ درصد از دختران غیرفراری برآورده شده است.

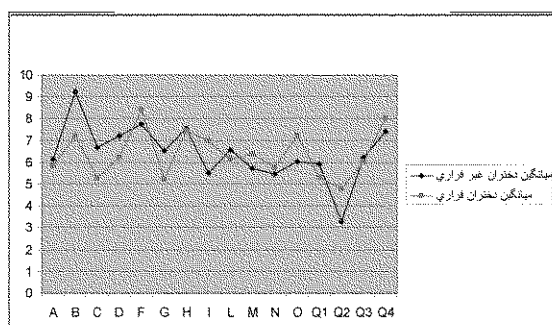
فقر و بیکاری پدر: ۱۸ درصد از دختران فراری و ۲ درصد از دختران غیرفراری از فقر و بیکاری پدر رنج برده‌اند.

نداشتن پول توجیبی: ۴۰ درصد از دختران فراری و ۱۶ درصد از دختران غیرفراری از پول توجیبی برخوردار نبوده‌اند. حال از میان آن‌هایی که در دو گروه که پول توجیبی می‌گرفتند، در ۱۳ درصد از دختران فراری (بالاترین درصد) میزان پول توجیبی بین ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان است و در مورد ۴۰ درصد از دختران غیرفراری (بالاترین درصد) میزان پول توجیبی بین ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ تومان بوده است.

نداشتن مسکن شخصی: ۴۴ درصد از دختران فراری و ۲۴ درصد از دختران غیرفراری از مسکن شخصی برخوردار نبوده‌اند.

داده‌های توصیفی مربوط به آزمون‌های شخصیت نشان می‌دهد که بالاترین میانگین در عامل‌های Q1، Q3، A، B، C، G، H، I، L مربوط به دختران غیرفراری و بالاترین میانگین Q2، Q4، F، I، M، N، O مربوط به دختران فراری بوده است. از طرف دیگر، بیش‌ترین نمره در دختران فراری مربوط به عامل F (۸/۳۸) و در

نتایج حاصل از جدول ۳ نشان می دهد که دو گروه مورد بررسی در ۸ عامل شخصیتی با یکدیگر متفاوتند که این ۸ عامل عبارتند از: عوامل Q2، O، I، G، H، E، C، B. در عامل های Q2، O، I دختران فراری نمرات بالاتری نسبت به دختران غیر فراری کسب کرده اند و در عامل های G، H، E، C، B دختران فراری نمرات بالاتری به دست آورده اند.



نمودار ۱: نیمرخ روانی دختران فراری و غیر فراری

دختران غیر فراری مربوط به عامل B (۹/۲۴) است. کم ترین نمره در دختران فراری مربوط به عوامل Q2 (۴/۷۶) و در دختران غیر فراری مربوط به عامل Q2 (۳/۲۹) است.

داده های مربوط به فرضیه ها

فرضیه پژوهشی اول: «نیمرخ شخصیتی دختران فراری متفاوت از دختران غیر فراری است».

برای آزمون این فرضیه، ابتدا نمرات آزمودنی های هر دو گروه در ۱۶ عامل شخصیت بررسی و با استفاده از آزمون «تی» مستقل، تفاوت میانگین از لحاظ آماری بررسی شد. نتایج مربوط به این فرضیه در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: «تی» مستقل برای مقایسه میانگین های دو گروه دختران فراری و غیر فراری در آزمون ۱۶ عاملی شخصیت

عوامل شخصیتی	شاخص	میانگین نمرات دختران غیر فراری	میانگین نمرات دختران فراری	اختلاف میانگین ها	«تی» مشاهده شده	سطح معنادار بودن
A	ادوار خویی - گسیخته خویی	۶/۱۳	۵/۸۴	-۲۹	۰/۹۸	۱/۳۳
B	هوش عمومی - نارسایی عقلی	۹/۲۴	۷/۲۲	-۲/۰۲	-۴/۹۸	۰/۰۱
C	پایداری هیجانی - نوروگرایی عمومی	۶/۶۷	۵/۲۷	-۱/۴	-۲/۶۴	۰/۰۱
D	سلطه یا استیلا - اطاعت، تسلیم	۷/۲۲	۶/۲۲	-۱	-۲/۲۱	۰/۰۳
F	برونگردی - نابرونگردی	۷/۷۶	۸/۳۸	-۰/۳۸	-۰/۶۷	۰/۵۰۶
G	خلق استوار - خلق نارس و وابسته	۶/۵۱	۵/۲۲	-۱/۳	-۲/۹۸	۰/۰۰۴
H	ادوار خویی متهورانه - گسیخته خویی اساسی	۷/۵۶	۷/۴۴	-۱/۱	-۲/۰۴	۰/۰۴
I	حساسیت هیجانی - زمختی رشد یافتگی	۵/۵۱	۷	۱/۴۹	۳/۹۷	۰/۰۱
L	گسیخته خویی پارانو یا گونه - در دسترس بودن اعتماد آمیز	۶/۵۶	۶/۱۶	-۰/۴	-۱/۱۱	۰/۲۷
M	کولی گری - رغبت های عملی	۵/۷۱	۶/۳۶	۰/۶۴	۱/۶۷	۰/۰۹
N	ظرافت کاری - سادگی بی ظرافت	۵/۴۴	۵/۷۸	۰/۳۳	۰/۸۹	۰/۳۸
O	بی اعتمادی اضطراب آمیز - اعتماد توأم با آرامش	۶/۰۴	۷/۲۰	۱/۱۵	۲/۷۹	۰/۰۰۶
Q1	بنیادگرایی - محافظه کاری	۵/۹۳	۵/۲۹	-۰/۶۴	-۱/۵۴	۰/۱۳
Q2	خودکفایی - ناتوانی در اخذ تصمیم	۳/۲۹	۴/۷۶	۱/۴۷	۳/۱۱	۰/۰۰۶
Q3	مهار کردن اراده و پایداری خلق و خو	۶/۲۴	۶/۰۲	-۰/۲۲	-۰/۶۲	۰/۵۳
Q4	تنش عصبی	۷/۴۲	۸	۰/۵۸	۱/۰۳	۰/۳۱

جدول ۴: مقایسه وضعیت دو گروه دختران فراری و غیرفراری و سطح معناداری آن‌ها در شرایط اجتماعی

متغیرهای شرایط اجتماعی	درجه آزادی	کای دو	سطح معنادار بودن
(۱) در قید حیات نبودن پدر	۲	۸/۴۹	۰/۰۱
(۲) در قید حیات نبودن مادر	۲	۱۴/۵۷	۰/۰۰۱
(۳) زندگی کردن والدین با هم	۲	۲۴/۸۶	۰/۰۰۱
(۴) ازدواج مجدد پدر	۲	۱۳/۵	۰/۰۰۴
(۵) ازدواج مجدد مادر	۲	۱/۳۹	۰/۴۹
(۶) تحصیلات پدر	۶	۲۵/۰۴	۰/۰۰۱
(۷) تحصیلات مادر	۶	۲۴/۴۷	۰/۰۰۱
(۸) شغل پدر	۷	۱۳/۷	۰/۰۰۶
(۹) شغل مادر	۵	۲۱/۲۳	۰/۰۰۱
(۱۰) اختلاف والدین	۲	۲۴/۴۳	۰/۰۰۱
(۱۱) تعداد خواهر	۶	۱۹/۲۳	۰/۰۰۴
(۱۲) تعداد برادر	۵	۱۵/۳۷	۰/۰۰۲
(۱۳) اعتیاد والدین	۱	۱۳/۸	۰/۰۰۱
(۱۴) انحراف والدین	۱	۶/۴	۰/۰۱۱
(۱۵) تنبیه پدر	۲	۲/۸	۰/۰۰۲
(۱۶) تنبیه مادر	۲	۱۰/۸	۰/۰۰۴
(۱۷) بی‌اعتنایی والدین	۱	۲۰/۸۲	۰/۰۰۱
(۱۸) درگیری و اختلاف با والدین	۱	۱۶/۳۱	۰/۰۰۱
(۱۹) سخت‌گیری و کنترل والدین	۱	۱۰	۰/۰۰۲
(۲۰) میزان وابستگی به خانواده	۶	۳۲/۳۸	۰/۰۰۱
(۲۱) وسایل ارتباط جمعی	۳	۱۷	۰/۰۱۴
(۲۲) تقلید از هنرپیشه	۱	۸/۹	۰/۰۰۳
(۲۳) الگوگیری از گروه‌ها	۳	۱۱/۱۸	۰/۰۱۱

فرضیه دوم پژوهشی: «شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری متفاوت از دختران غیرفراری است».

برای آزمون این فرضیه، از بین عوامل اجتماعی، ۲۳ عامل و از میان عوامل اقتصادی ۸ عامل انتخاب گردید و فراوانی دو گروه در این عوامل محاسبه شد. آنگاه با استفاده از آزمون همخوانی کای دو، اختلاف دو گروه بررسی گردید. نتایج مربوط به این فرضیه در جدول ۴ و ۵ آمده است.

نتایج حاصل از جدول ۴ و ۵ نشان می‌دهد که بین دختران فراری و غیرفراری در تمام متغیرهای مربوط به شرایط اجتماعی - به استثنای عامل ازدواج مجدد مادر و شغل پدر- و تمام متغیرهای مربوط به شرایط اقتصادی تفاوت معنادار به‌دست آمد. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم تأیید می‌گردد.

جدول ۵: مقایسه میانگین‌های دو گروه و سطح معناداری آن‌ها در شرایط اقتصادی

متغیرهای شرایط اقتصادی	درجه آزادی	کای دو	سطح معنادار بودن
(۱) میزان درآمد پدر	۵	۱۸/۹۵	۰/۰۰۴
(۲) میزان درآمد مادر	۵	۱۳/۱۷	۰/۰۲
(۳) فقر و بیکاری پدر	۱	۶/۰۴	۰/۰۱
(۴) برآورده شدن خواسته‌های مادی	۲	۹/۸۶	۰/۰۰۷
(۵) داشتن یا نداشتن پول توجیبی	۲	۹/۸	۰/۰۳
(۶) میزان پول توجیبی	۶	۱۹/۸	۰/۰۰۳
(۷) داشتن یا نداشتن مسکن شخصی	۱	۳/۹۷	۰/۰۴۶
(۸) میزان رضایت از سلامتی، تغذیه، مسائل مالی، لباس و پوشاک، مسکن	۳	۱۷/۲	۰/۰۰۸

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که از ۱۶ عامل شخصیتی، تفاوت بین دو گروه در ۸ عامل (Q_2, O, I, H, G, E, C, B) معنادار به‌دست آمد و در ۸ عامل دیگر اگر چه تفاوت میانگین‌ها قابل ملاحظه است، ولی از لحاظ آماری معنادار نیست. دختران فراری در عامل‌های F (درونگری - برونگردی)، M (کولی‌گری - رغبت‌های عملی)، N (ظرافتکاری - سادگی بی‌ظرافت) و Q_4 (تنش عصبی) نمرات بالاتری کسب کرده‌اند و دختران غیرفراری در عامل‌های A (ادواری خوبی - گسیخته خویی)، L (گسیخته خویی - پارانویا - در دسترس بودن اعتمادآمیز)، Q_1 (بنیادگرایی - محافظه کاری) و Q_3 (مهار کردن اراده و پایداری خلق و خو) نمرات بالاتری به‌دست آورده‌اند.

در عامل B (هوش عمومی - نارسایی عقلی) بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، دختران غیرفراری گروه نمونه، در دبیرستان مشغول به تحصیل بودند، در حالی که بیش از نیمی از دختران فراری تحصیلات راهنمایی و زیر راهنمایی داشتند. به سخن دیگر به دلیل محدودیت تحقیق، دو گروه از لحاظ شناختی و هوش در یک سنخ انتخاب نشدند. لازم به ذکر است که در اکثر تحقیقاتی که صورت گرفته نتایج حاکی از این است که در بین دختران فراری افرادی با هوش پایین، عقب‌ماندگی ذهنی و ناتوانی

یادگیری به وفور دیده می‌شود. از طرف دیگر، معمولاً دختران فراری که دستگیر شده‌اند از سطح هوشی پایینی برخوردارند. در عامل C (پایداری هیجانی یا نیرومندی من - نوروگرایی) بین دو گروه تفاوت معنادار به‌دست آمد که در این راستا دختران غیرفراری نمرات بالاتری به‌دست آورده‌اند. اگر چه هر دو گروه متمایل به قطب نوروگرایی هستند، ولی نمرات دختران غیرفراری در جهت گرایش به پایداری، بیانگر سطح نوروگرایی کم‌تر آن‌ها نسبت به دختران فراری است. به‌طور کلی نوروگرایی عمومی در دختران فراری بیش‌تر است. نوروگرایی بیانگر، فقر توحید یافتگی شخصیت، ضعف من و انعطاف‌ناپذیری زیاد است. این افراد به راحتی از چیزها یا اشخاص کسل می‌شوند و از موقعیت خود و خانواده‌شان و محدودیت زندگی ناراضی هستند که این ویژگی‌ها در دختران فراری بارزتر است. در عامل E (سلطه یا استیلا - اطاعت و تسلیم) نیز بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و دختران غیرفراری در این عامل، نمرات بالاتری به‌دست آوردند. به عبارتی دختران غیرفراری از لحاظ سلطه و استیلا در سطح بالاتری نسبت به دختران فراری قرار دارند و دختران فراری از لحاظ اطاعت و تسلیم نمره بالاتری کسب کردند. دختران فراری علی‌رغم این‌که ظاهراً مستقل به نظر می‌رسند (به دلیل اقدام به فرار)، ولی در واقع متغفل و وابسته‌اند، بالاخص در

موقعیت‌های تصادفی و غیرمنتظره [۲] و با این که ظاهراً دم از دل و جرأت داشتن می‌زنند، ترسو و نا ایمن هستند و نه تنها از نظر تحصیلی و شغلی، بلکه از نظر اجتماعی و ارتباطی خود را بی‌کفایت می‌دانند [۲]. تحقیقات اخیر توسط کانر [۶] نشان می‌دهد که یکی از انگیزه‌های فرار در این دختران، بودن در کنار افرادی است که از آن‌ها حمایت کنند و تکیه‌گاه و مشوق آن‌ها در زندگی باشند.

در عامل G (خلق استوار - خلق نارس و وابسته) بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد و دختران غیرفراری در این عامل نمره بالاتری کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد دختران غیرفراری نسبت به دختران فراری از خلق استوارتری برخوردارند. خلق استوار بیانگر خلق فردی است که خود را از نظر اخلاقی درست و پاسدار آداب و اصول اخلاقی می‌داند، دارای پشتکار و پیش‌بینی است، می‌تواند خود را متمرکز سازد، دوست دارد دیگران را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، محتاط است و مصاحبت با اشخاص کارآمد را بر دیگران ترجیح می‌دهد، که از این لحاظ دختران فراری ضعیف هستند.

در عامل H (ادواری خوئی متهورانه - گسیخته خوئی) بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد و دختران غیرفراری در این عامل نمرات بالاتری به‌دست آورده‌اند. به عبارتی، دختران غیرفراری بیش‌تر گرایش به ادواری خوئی متهورانه دارند و دختران فراری بیش‌تر به سمت گسیخته خوئی گرایش دارند. به‌طور کلی، عامل H و A دو عامل روان گسیختگی هستند و نتایج حاصل در عامل H و A هر دو حاکی از گرایش دختران فراری به روان گسیختگی است و تمایلات این گروه به فرار از مواجهه با موقعیت‌ها نیز می‌تواند به همین دلیل باشد.

در عامل I (حساسیت هیجانی - زمختی رشد یافتگی) نیز بین دو گروه تفاوت معناداری به‌دست آمد، اما در این‌جا دختران فراری نمره بالاتری به‌دست آورده‌اند. به عبارت دیگر، دختران فراری نسبت به

دختران غیرفراری بیش‌تر گرایش به حساسیت هیجانی دارند. حساسیت هیجانی شامل مؤلفه‌هایی چون متوقع و ناشکیبا بودن، وابسته و نارس بودن، و علاقه به مسافرت و تجارب جدید است که این نتیجه در مورد دختران فراری، قابل انتظار بود و این عامل با عامل G از لحاظ خلق نارس و وابسته همخوانی دارد.

در عامل O (بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز - اعتماد توأم با آرامش) بین دو گروه تفاوت معنادار به‌دست آمد و دختران فراری نمره بالاتری در این عامل نسبت به دختران غیرفراری به‌دست آوردند. به عبارتی، دختران فراری گرایش بیش‌تری به بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز دارند تا دختران غیرفراری. افرادی که در عامل بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز نمره بالاتر دارند آزار دیده و مضطرب هستند، پشیمانی، یأس‌هایی را در آن‌ها برمی‌انگیزاند و آن‌ها را در ایجاد هراس و نشانه‌های ضعف روانی کمک می‌کند. این عامل، تحت عناوینی از جمله «تمایل به افسردگی»، «خلق غمگین»، «حساسیت هیجانی» و «بی‌ارزش شمردن خود» آورده شده است؛ عناوینی که هر کدام می‌تواند در مورد دختران غیرفراری صدق پیدا کند، زیرا همچنان که تحقیقات نشان می‌دهد عزت نفس دختران فراری پایین و افسردگی شدید و اقدام به خودکشی در آن‌ها بالا است [۷]. دختران فراری غالباً از خانواده‌های از هم گسیخته و آشفته هستند؛ خانواده‌هایی که اعضای آن، درجاتی از اضطراب و آشفتگی را تجربه کرده‌اند، در گذشته آن‌ها حوادث ناگوار زیاد اتفاق افتاده و چنین حوادثی باعث افسردگی معناداری در آن‌ها می‌شود و این با نشانگانی از جمله اضطراب، اختلال رفتاری، اختلال گسستی و ترس از دیگران به ویژه مردان همراه است [۲].

در عامل Q₂ (خودکفایی - ناتوانی در اخذ تصمیم) تفاوت معناداری بین دو گروه به‌دست آمد که در این راستا، دختران فراری نمره بالاتری نسبت به دختران غیرفراری کسب کرده‌اند. به عبارت دیگر، دختران فراری نسبت به دختران غیرفراری بیش‌تر به سمت

خودکفایی گرایش دارند. یکی از مشخصه‌های خودکفایی این است که فرد عادت دارد خود را به تنهایی راهبری کند، بدون آن‌که در رابطه خود با دیگران سلطه‌جو باشد که در این‌جا، ویژگی عدم سلطه‌جویی، علی‌رغم خودکفایی فرد با عامل E که سلطه‌جویی است همخوانی دارد. البته نتایج حاصل در این عامل، بیانگر خودکفایی این افراد نیست، بلکه نشان می‌دهد در مقایسه با گروه دختران غیرفراری بیش‌تر به خودکفایی گرایش دارند.

به‌طور کلی نتایج به‌دست آمده از آزمون شخصیت کتل نشان می‌دهد گرایش دختران فراری در مقایسه با دختران غیرفراری بیش‌تر در جهت پایین بودن هوش، نوروژگرای، خلق نارس و وابسته، اطاعت و تسلیم، گسیخته‌خویی، حساسیت هیجانی، بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز و خودکفایی است.

نتایج مربوط به فرضیه دوم پژوهشی نیز نشان داد. برای بررسی شرایط اجتماعی دختران فراری و غیرفراری ۱۲ متغیر و برای بررسی شرایط اقتصادی ۶ متغیر انتخاب گردید. به عبارت دیگر ۱۸ متغیر در رابطه با این فرضیه مطرح شد. در مورد شرایط اقتصادی تفاوت در اغلب متغیرها معنادار به‌دست آمد و در مورد شرایط اجتماعی نیز تفاوت در اغلب متغیرها معنادار بود که به ترتیب در ذیل به هر کدام اشاره می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون کای دو نشان می‌دهد که اولاً دو گروه از لحاظ میزان درآمد والدین، برآورده شدن خواسته‌های مادی، داشتن پول توجیبی و میزان آن و داشتن مسکن شخصی تفاوت معنادار با یکدیگر دارند. نتایج حاصل در جدول ۵ شرایط اقتصادی نشان می‌دهد که میزان درآمد والدین دختران فراری کم‌تر از دختران غیرفراری است، بین دو گروه از لحاظ برآورده شدن خواسته‌های مادی نیز تفاوت معنادار وجود دارد و خواسته‌های مادی دختران فراری کم‌تر از دختران غیرفراری برآورده شده است. از لحاظ داشتن پول توجیبی باز هم تفاوت معنادار وجود دارد و همچنین تابع بیانگر این است که تعداد دختران فراری که از پول

توجیبی برخوردارند کم‌تر از دختران غیرفراری است. از طرفی، میزان این پول توجیبی در دختران فراری کم‌تر از دختران غیرفراری است. از لحاظ داشتن مسکن شخصی نیز بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و در این خصوص، دختران غیرفراری بیش‌تر از مسکن شخصی برخوردارند تا دختران فراری.

در بعد متغیرهای اجتماعی نتایج نشان داد که در متغیرهای زیر تفاوت معناداری بین دختران فراری و غیرفراری وجود دارد:

«در قید حیات بودن والدین»: فراوانی دختران فراری که فاقد والدین هستند بیش‌تر از دختران غیرفراری است.

«با هم زندگی کردن والدین»: فراوانی دختران فراری از لحاظ جدایی والدین بیش‌تر از دختران غیرفراری است. از طرفی از لحاظ «ازدواج مجدد پدر» تفاوت معنادار در سطح ۰/۰۰۴ بین دو گروه به‌دست آمد. به عبارت دیگر تعداد دختران فراری که پدرشان ازدواج مجدد کرده‌اند بیش‌تر از دختران غیرفراری است و در نتیجه ۲۰ درصد دختران فراری مورد مطالعه دارای نامادری هستند.

«اختلاف والدین با یکدیگر»: در این زمینه، تفاوت معناداری بین دو گروه مقایسه به‌دست آمد و والدین حدود بیش از یک دوم از دختران فراری با یکدیگر اختلاف داشتند، در حالی که کم‌تر از یک هفتم دختران غیرفراری با چنین مشکلی روبه‌رو بودند.

«تحصیلات والدین»: میزان تحصیلات والدین دختران فراری پایین‌تر از دختران غیرفراری است.

«شغل مادر»: در این بعد نیز تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۱ به‌دست آمد. به عبارت دیگر، غیر از خانه‌داری، بیش‌تر مادران دختران غیرفراری، فرهنگی هستند.

«تعداد خواهر و برادر»: نتایج نشان می‌دهد حداکثر خواهران دختران فراری ۶ نفر و در دختران غیرفراری ۴ نفر است. از طرفی، تعداد برادران دختران فراری بیش‌تر از دختران غیرفراری است و می‌توان نتیجه گرفت که

خانواده دختران فراری پرجمعیت‌تر از دختران غیرفراری است.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که بین دو گروه - به غیر از چند مورد - از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی تفاوت وجود دارد و این‌طور به نظر می‌رسد که دختران غیرفراری از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در وضعیت بهتری به سر می‌برند؛ شرایطی که می‌تواند تنیدگی‌زا باشد و بر شخصیت و شیوه مقابله افراد با عوامل تنیدگی‌زا و شرایط نامناسب زندگی تأثیر بگذارد.

از لحاظ نظری تأیید شده که ریشه بسیاری از کجروی‌ها را باید در محیط و شرایط اقتصادی و اجتماعی جستجو کرد. وقتی خواسته‌های فرد با انتظارات خانواده و جامعه هماهنگ نباشد نابهنجاری فرد آغاز می‌شود. یکی از ریشه‌های فرار را باید در فقر اقتصادی، طلاق یا جدایی‌های عاطفی والدین، رفاه و آزادی بیش از حد و... جستجو کرد. تحقیقات متعددی که در ایران و سایر کشورها در این زمینه صورت گرفته، مؤید این هستند که کمبود عاطفی، شرایط نامناسب زندگی در خانه به علت فوت یا جدایی یا ازدواج مجدد، فشارهای روانی ناشی از اختلاف والدین، سطح تحصیلات پایین والدین، درآمد پایین، جمعیت زیاد در خانواده، سردی عاطفی بین اعضا خانواده و... در بروز این پدیده تأثیر بسزا دارند. همچنین نتایج اکثر تحقیقات نشان می‌دهد که سطح تحصیل اکثر این دختران در حد راهنمایی و دبیرستان

است و از لحاظ سنی ۱۵ تا ۱۷ ساله‌اند که متوسط آن ۱۶ سال است.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که شرایط نامساعد زندگی اجتماعی و اقتصادی و گرایش به عوامل شخصیتی‌ای مثل نوروزگرایی، هوش پایین، خلق نارس و وابسته، اطاعت و تسلیم، گسیخته‌خویی، حساسیت هیجانی، بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز و خودکفایی می‌تواند منجر به استفاده از شیوه مقابله‌ای فرار در مقابل مشکلات در افراد شود. البته در بروز این پدیده، عوامل متعدد دیگری نیز دخیل هستند که امید است در بررسی‌های بعدی، این عوامل شناسایی و در رفع آن‌ها گام‌های مؤثر برداشته شود.

منابع

۱. سعیدی، محمد (۱۳۷۲) بررسی علل فرار نوجوانان از خانه، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
2. Lewis, M. (1991) Child and adolescent psychology a comprehensive text book, London, Kowkab publisher.
3. Scioline, E. (2000) Runaway youths a thrn in iran's chasle side, New York Times, New York, N.Y.No V5.
4. Gorgin, A. & Nagel, RC. (2000) Iran: Half way houses try to help runaway girl, The Iranian: News and views, 1-3.
5. کراز، ژ (۱۳۶۸) بیماری‌های روانی. ترجمه پ. دادستان و م. منصور. ژرف.
6. Conner, M.C. (2001) Understanding and preventing teenage runaways, Chincial and Medical Psychologist Internet: WWW. Crisis counseling. Org.
7. Farrow, y & Deisher. R. & Brown, R&kulig, J. & kipke, M. (1992) Health and healt needs of homeless and runaway youth, Journal of Adolescent Health 13, 2-8.